

حسنین هیکل، از ایران و لبنان و فلسطین و منطقه می گوید

محمد علی اصفهانی

۲۷ خرداد ۱۳۸۷

www.ghoghnoos.org

محمد حسنین هیکل، صرفنظر از هر قضاوتی که کسی در باره ی او داشته باشد یا نداشته باشد، از صاحبنظران کارکشته ی سیاسی است. همراز جمال عبد الناصر، مسئول و سردبیر روزنامه ی مصری «الاهرام» طی سالیانی دراز در گذشته، و روزنامه نگاری حرفه پی با صدها مصاحبه و مقاله و سخنرانی و کتاب.

او در ماه مه امسال، در نشست با حقوق دانان مصر، و در حضور بسیاری از رجال و شخصیت های سیاسی و فرهنگی و مطبوعاتی سراسر جهان، به بررسی مسایل سیاسی روز در ارتباط با خاورمیانه پرداخت. به دلایل معلوم، نه تنها رسانه های رسمی جهان غرب به انعکاس این گفتگو نپرداختند، بلکه حتی رسانه های مختلف عربی نیز هر کدام به ذکر قسمت های منتخب و غالباً کوتاهی از سخنان هیکل - بر مبنای گرایش ها و محاسبات خودشان - بسنده کردند. از آنجایی که دانستن نقطه نظر های حسنین هیکل را در آنچه به طور مستقیم یا غیر مستقیم به ایران مربوط می شود ضروری دانستم، مطلبی که می خوانید را با مراجعه به تعداد قابل توجهی از رسانه های عربی (۱) به صورتی تلفیقی و خلاصه شده تهیه و ترجمه کردم. و البته - این طور فکر می کنم که - با حفظ امانت.

محمد حسنین هیکل، موقعیت فعلی منطقه را با موقعیت اندلس در آستانه ی فروپاشی مقایسه کرد و به شباهت های این دو موقعیت پرداخت، و نگرانی خود را از احتمال سقوط کامل منطقه ی خاورمیانه، و حتی حذف فلسطین، ابراز داشت.

او ضمن ستایش از نقش حزب الله لبنان در مقابله با اسرائیل، بر ضرورت

حفظ سلاح در دست این حزب تأکید کرد و گفت که این کار برای بقای منطقه ضروری است، و ما نباید چنین امکان مهمی را به هدر بدهیم. چرا که مقاومت حزب الله، یک استثنا در تاریخ مقاومت عربی است.

هیكل افزود که در ایام اخیر، لبنان به صورتی معجزه آسا، توانست از یک بحران بزرگ عبور کند. بحرانی که چیزی نمانده بود تا تمامیت این کشور را در هم بکوبد.

یک راه حل پایدار و قابل اعتماد برای مشکلات لبنان را حسنین هیكل تکیه بر مشروعیتی دانست که محصول توافق گرایش های مختلف مذهبی و سیاسی و قومی و فکری با هم است و در قالب کلاسیک دموکراسی جا نمی گیرد. چون دموکراسی در شکل کلاسیک آن مبتنی بر اکثریت عددی است؛ و این با ساخت جامعه ی چند ملیتی و چند فرهنگی لبنان سازگاری کامل ندارد و بحران ساز است. و از همین روست که هرگونه اخلاص گری به هر بهانه یی در مشروعیتی که با توافق اطراف مختلف حاصل می شود، عواقبی خطرناک برای لبنان خواهد داشت.

حسنین هیكل، با اشاره به نقش رییس جمهوری مقتول لبنان (رفیق حریری) در قرارداد تفاهم «طائف»، او را «سیاستمداری با هوش» نامید که توانست شبخ بازگشت جنگ خانگی را از لبنان دور کند؛ و لی سرانجام، خودش قربانی نزاع سیاسی بزرگی که در این کشور جریان دارد شد.

هیكل تصریح کرد که دولت های متعدد عربی - و نه فقط سوریه - در امور لبنان دخالت می کنند، و این درست نیست که بعضی ها همه ی گناهان را به گردن سوریه می اندازند در حالی که خودشان برای در تنگنا قرار دادن سوریه، صحنه ی لبنان را جولانگاه خود کرده اند.

او همچنین اظهار داشت که ما، در حق حسن نصرالله ستمی بزرگ روا داشته ایم وقتی که به او اتهام عامل ایران بودن زده ایم. او یک لبنانی است و همچون یک لبنانی عمل می کند نه همچون یک عامل بیگانه. من نمی توانم این را بفهمم که چرا ما با او چنین معامله می کنیم. این، حزب الله بود که توانست رو در روی اسرائیل بایستد. حزب الله در لبنان همچون سدّی است که تجاوز های وحشیانه ی اسرائیل را دفع می کند و به اسرائیل اجازه و امکان هجوم به لبنان را نمی دهد. اگر حزب الله نبود، بنیان لبنان به کلی از میان رفته بود. ما ملت عرب، تنها ملت جهانی که قهرمانان خود را تخریب

می کنیم.

هیكل، همچنین از اقدامات نخست وزیر لبنان علیه شبکه ی مخابرات حزب الله انتقاد کرد.

در باره ی درگیری های اخیر لبنان

در باره ی درگیری های اخیر لبنان، محمد حسنین هیكل اظهار داشت که ما نباید مسایل را از سطح نگاه کنیم. در یک نگاه سطحی، این، نزاعی بود میان قانون و بی قانونی. اما مسئله، بسیار عمیق تر از این حرف هاست: حرف نادرستی است اگر بگوییم که مشکل، از لحظه ی حرکت حزب الله آغاز شد. خیر. مشکل از آن هنگام آغاز شد که حزب الله دانست که ششصد نفر، از خارج لبنان وارد لبنان شده اند تا اوضاع داخل بیروت را تغییر دهند. این ششصد نفر در یکی از کشور های عربی مورد نظر آمریکا، و معروف به «معتدل»، آموزش دیده بودند. حزب الله ناچار شد که به حرکت درآید. و این، تازه علاوه بر مشکلی بود که دولت برای شبکه ی ارتباطات خاص این حزب به وجود آورده بود.

و این هردو، در پی به قتل رسیدن عماد مغنیه. عماد مغنیه، فرماندهی کارآمد بود و بر عملیات حزب الله در صحنه، تسلط و اشراف داشت. من فکر می کنم که او بر اثر توطئه ی چند دولت عربی به قتل رسیده است. چرا باید چنین کسی را که با توانمندی های خود، به حزب الله در نبرد با اسرائیل یاری داد، ردیابی کنیم و در کمینش بنشینیم و به قتل برسانیمش؟ بر این همه، سخنان ولید جنبلاط را هم به هنگام حضور بوش در منطقه برای شرکت در جشن سالگرد تأسیس اسرائیل اضافه کنید. ولید جنبلاط با استفاده از این حضور، بر ضرورت وارد کردن «ضربات درهم کوبنده» به حزب الله تأکید کرده بود.

باوجودی که پدر ولید جنبلاط، دوست من بود، و خود او هم دوست من است، باید بگویم که او آدمی است «متقلب المزاج» [چیزی کم و بیش به معنای روان پریش هردمبیل! م]. او زندگانی مرقّهی دارد و در عیش و نعمت روزگار می گذراند.

ولید جنبلاط پیش خودش حساب کرده بود که این حرف او در شرایطی که حضور بوش در منطقه فراهم آورده است طنین بیشتری خواهد یافت و سرو صدایی به پا خواهد کرد.

حزب الله، فقط بعد از آن که معتقد شد که دیگر در این جا بحث، نه بحث ایجاد اختلالات موقت در کار حزب، بلکه بحث زندگی و مرگ و بود و نبود آن است وارد عمل شد. و در ظرف ۲۴ ساعت توانست بر بیروت، مسلط شود. و ما، در برابر وضع تازه یی قرار گرفتیم. (۲)

دولت های مختلف عربی گمان کردند که با آنچه پیش آمده است، شاید امکانی برای مداخله در بیروت به دست آورند. ولی طرف های مختلف لبنانی توانستند به راه حلی صلح آمیز دست یابند. چرا که متوجه این موضوع شده بودند که در غیر این صورت، کار لبنان ساخته خواهد شد.

من معتقدم که نباید به سلاح حزب الله دست زد. برای این که این ها کسانی هستند که در مقابله یی شجاعانه با اسرائیل، ضربه یی سهمگین و فراموش ناشدنی بر او وارد آورند. لازم است که از اینان محافظت کنیم. اینان آزمون ورزیدگی ملت عرب در تمامیت آنند، و به منطقه، درس مقاومت داده اند. اما هرچند که وجود حزب الله یک ضرورت عربی است، نباید لبنان فقط به دست حزب الله بیافتد. توافق و تراضی اعراب در این زمینه، بستگی به شناخت درست آن ها از مرحله ی کنونی نزاع با اسرائیل خواهد داشت.

رابطه ی اعراب با ایران

حسنین هیکل به گفتگوی خود در سال ۱۹۷۹ در پاریس با خمینی اشاره کرد و این که خمینی از او پرسیده بود که «چرا مصر با من دشمنی می کند؟». چون الازهر در آن زمان فتوای شدیدی علیه خمینی صادر کرده بود و گفته بود که مبارزه با شاه، خروج بر ولی امر است و گناه دارد!

هیکل، در مجموع، از ضرورت دوستی میان ایران و جهان عرب سخن گفت. ولی طبعاً این سخنان هیکل را نباید ملّایان به حساب حمایت او از خودشان مصادره کنند. بلکه این سخنان در شرایطی ادا شده است که آمریکا و اسرائیل تلاش بی سابقه یی را آغاز کرده اند برای متحد کردن اعراب با خود درحمله ی نظامی به ایران. به تمام ایران و ملت آن، نه به ملّایان که خود، دشمن تمام ایران و ملت آنند.

هیكل، تأیید کرد که اگر به فرض بعید، حاکمان ایران، بین هشت تا ده سال آینده صاحب بمب اتمی شوند، وضعیت خطیری به وجود می آید. اما پرسید که:

- آیا خطری که اعراب را تهدید می کند این چنین بمب احتمالی هشت یا ده سال بعد است؟ یا ۱۵۰ بمب اتمی حاضر و آماده ی اسراییل در مرزهای ما؟

حال و آینده ی فلسطین

حسنین هیكل در مورد حال و آینده ی فلسطین، چنین گفت:
محمود الزّهار، رییس هیأت نمایندگی بی که اخیراً از طرف حماس به قاهره آمده بود، به خود من گفت که این فقط اسراییل نیست که ما را در غزه محاصره کرده است. بلکه بعضی از دولت های مجاور فلسطین هم ما را از زمین و دریا و هوا مورد محاصره قرار داده اند.
دولت های عربی بی هستند که از آنچه امروز در فلسطین می گذرد شادمانند و فاجعه را تقویت می کنند.

من معتقد نیستم که در فلسطین اختلاف های شخصی بین طرف های مختلف در کار باشد. بله. آشکارا یک اختلاف بزرگ وجود دارد: اختلاف میان دو مکتب. اولی، مکتب مقاومت؛ و دومی مکتبی که به راه حلّ مسالمت آمیز معتقد است.
خیلی ساده بگویم:

اسراییل تلاش دارد تا تمام فلسطین را اشغال کند. آیا می شود تصوّر کرد که اسراییل با این همه تجاوزها، و با این همه تصرّفات، قادر باشد که یک دولت فلسطینی بنا نهد؟

در گذشته، یک نفر از من پرسید که به نظر تو در میان نخست وزیران اسراییل، کدام یک بر دیگری ارجحیت دارد. به او پاسخ دادم: آریل شارون! چون ما با شارون می توانیم حقیقت را بفهمیم، و بدانیم که در کجا ایستاده ایم. ولی با شیمون پرز و دیگران نه. آن ها حرف های گمراه کننده می زنند. اسراییل، حتی حق مالکیت فلسطینی ها بر سرزمین خودشان و حق بازگشت پناهندگان را هم نفی می کند.

مسئله ی فلسطین، به این صورت، با گفتگو میان اعراب و اسراییل حل نمی شود. باید معادله ی قوا تغییر کند.

من می ترسم که طی ده سال آینده، ما سرزمین تاریخی فلسطین را از

دست بدهیم. چرا که در جهان عرب، اراده و توانایی وجود ندارد. و تنها نیرو هایی که حرکت می کنند، متأسفانه، نیرو های اسرائیلند. (۳)

از حسنین هیکل سؤال شد:

- آیا امیدی هست که توده های عرب، با فشار بر حکومت هاشان بتوانند کاری از پیش ببرند؟

هیکل پاسخ داد:

فکر می کنم زندگی بدون امید، قابل تصوّر نیست. من حرکت توده ها و مردم کوچه و خیابان را دنبال می کنم. نسل جدید، مثل ما نیست. حالتی جوشان و بشاش در کوچه و خیابان دیده می شود. اما حاکمان عرب، از تکنولوژی قوی برای قلع و قمع کردن مردم خود بهره مندند. و من می ترسم که این نسل جدید، در برابر تکنولوژی قوی قلع و قمع، عملیات انتحاری را انتخاب کند.

وضعیت کنونی، در تاریخ بی سابقه است. و سقوط حکومت ها به خاطر تضاد های منافع زورمندان است. نه به خاطر طغیان توده ها.

سوریه و ایران و عراق

در باره ی روابط دو حکومت سوریه و ایران، و تلاش اسرائیل برای نزدیکی با سوریه با وساطت ترکیه، ضمن ابراز بدبینی نسبت به نتیجه بخش بودن مذاکرات اسرائیل و سوریه، حسنین هیکل اظهار داشت:

باید بین تاریخ سوریه و شکل اداره ی سوریه در حال حاضر، تفاوت قائل باشیم. من از بابت آنچه در حال حاضر در سوریه می گذرد متأسفم. به دلیل خروج مصر از صحنه، سوریه اوضاع بدی دارد. ولی این که او با حکومت ایران نزدیک است باعث ناراحتی من نمی شود. چرا که به این وسیله، سوریه توانسته است تکیه گاهی جغرافیایی برای خودش پیدا کند.

هیکل، همچنین اظهار نظر کرد که آمریکا به ایران حمله نخواهد کرد؛ ولی حد اقل در ۱۲ سال آینده از عراق خارج نخواهد شد:

هدف اصلی آمریکا، تحت کنترل خود گرفتن هرچه بیشتر نفت عراق است. چگونه این هدف را به سادگی رها کند؟

۱ - از جمله رسانه های عربی یی که در این گزارش، مورد استفاده ی من قرار گرفته اند:

الشَّعب - السَّبَا - عرب آن لاین - الشَّرْق - الخلیج - اللواء...

۲ - سناریوی دیگری با شکلی دیگر ولی با هدفی کم و بیش واحد، در بخش دیگری از جبهه ی مبارزه با تجاوز - در فلسطین - نیز قرار بود به اجرا در آید که همچون این یک، هنوز به مرحله ی عملی نرسیده، در هم فرو شکست: در فلسطین، چه کسی علیه چه کسی کودتا کرد؟ - نوشته ی نویسنده ی مبارز اسراییلی، میشل وارشاوسکی، به ترجمه ی همین قلم:

www.ghoghnoos.org/khabar/khabar03/warschawski-l.html

۳ - نزار قبانی:

چرا هراس داشته باشد اسراییل
از فریاد های ما ؟

چرا هراس داشته باشد اسراییل
از «فاکس بازی ها» ی ما ؟

«جهاد فاکس»

از ساده ترین جهادهاست:

متن واحدی می نویسیم

برای همه ی شهیدانی که رفته اند

و همه ی شهیدانی که خواهند آمد!

...

ما

در تاریکی ملّی فرو رفته ایم

و از آن اعصار و روزگاران فتوحات

حتّی یک نامه هم دیگر

به ما نرسیده است...

....

چرا باید اسراییل، از اعراب بترسد

وقتی که بعضی از آن ها

یهودا شده اند ؟

متن کامل شعر بلند نزار قبانی:

www.ghoghnoos.org/honar/honarg/honarg01/kabbani_ghana.html